

Arguments of Rationalists and Their Status in Jurisprudential Works of Seyyed Hassan Bojnourdi and Imam Khomeini

Sajedeh Rasouli¹

Hamid Eivazy²

Reza Ranjbar³

Research Paper

Abstract

With respect to the significance of the arguments of rationalists in inference of religious instructions, particularly in the case of new issues, a review of the jurists' works on quality of applying the arguments of rationalists will help its understanding better. A restudy of jurisprudential works of Seyyed Hassan Bojnourdi and Imam Khomeini, as the two jurists with immense influence on perfection of jurisprudence, will be important and worthy in proving the point. To that end, we have reviewed the deductive and doctrinal jurisprudential texts of the two jurists based on content analysis methodology to analyze their claims. Findings of this paper indicate that both jurists have abundantly made use of the arguments of rationalists. In the meantime, both of them believe in its validity with no need to endorsement of the legislator, taking into consideration only lack of prohibition or rejection by the legislator. In particular, they have independently used the arguments of rationalists in invoking valid and important jurisprudential codes in deducing religious instructions. Given the effect of time and space on jurisprudential issues, the important and practical arguments of rationalists can be used for comparing and contrasting jurisprudence with modern-day issues and conditions toward rationality in settling modern-day problems.

Keywords: Arguments of rationalists, Style of rationalists, status of conduct of the rationalists, Seyed Hassan Moosavi Bojnourdi, Imam Khomeini, deduction of religious instructions

1. PhD student (Jurisprudence and the Principles of Imam Khomeini's Thoughts, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran. Email: rasoulisajedeh@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran. Email: eivazy.hamid@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Islamic Law, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran. Email: r_ranjbar4@yahoo.com.

بنای عقلا و جایگاه آن در آثار فقهی سید حسن بجنوردی و امام خمینی (ره)

ساجده رسولی^۱

حمید عیوضی^۲

رضا رنجبر^۳

مقاله پژوهشی

چکیده: با توجه به اهمیت بنای عقلا در استنباط احکام شرعی به ویژه در مسائل نو، بررسی آثار فقهی در استفاده از بنای عقلا به استفاده بهتر از آن کمک می کند. بررسی آثار فقهی سید حسن بجنوردی و امام خمینی به عنوان فقیهانی مؤثر در تکامل فقه در اثبات این مسئله درخور و شایسته است. بدین منظور بررسی متون فقهی استدلالی و اصولی ایشان بر اساس روش تحلیل محتوا انجام شده و بیاناتشان مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه تحقیق نشان می دهد هر دو فقیه از بنای عقلا استفاده های زیادی کرده اند. ضمن اینکه به حجیت آن بدون نیاز به امضای شارع و تنها با در نظر گرفتن و عنایت به عدم منع و ردع توسط شارع معتقدند و به طور خاص و مستقل از بنای عقلا در استناد به قواعد فقهی معتبر و مهم در استنباط احکام شرعی استفاده نموده اند و با توجه به تأثیر زمان و مکان در مسائل فقهی، بایستی از منبع مهم و کاربردی بنای عقلا در تطبیق فقه با اوضاع و شرایط امروزی در جهت عقلانیت و حل مسائل و مشکلات امروزی بهره برد.

کلیدواژه ها: بنای عقلا، ارتکاز عقلا، جایگاه سیره عقلا، سید حسن موسوی بجنوردی، امام خمینی، استنباط احکام شرعی.

۱. دانشجوی دکترای تخصصی رشته فقه و مبانی حقوق و اندیشه امام خمینی (ره)، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
Email: rasoulisajede@yaho.com
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول).
Email: eivazy.hamid@yaho.com
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.
Email: r_ranjbar4@yaho.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۶/۲۰

پژوهشنامه تبیین / سال بیست و سوم / شماره نود و سه / زمستان ۱۴۰۰ / صص ۴۸-۲۹

مقدمه

بنای عقلا، اصطلاحی در علم فقه و اصول فقه به معنای روش خردمندان جامعه است که موجب جریان یافتن نظم و ترتیب در زندگی انسان‌هاست؛ زیرا از یک سو در پاسخگویی به نیازهای روزافزون جوامع و از سوی دیگر در پویایی و انطباق فقه با زندگی نوین و اجتماعی تأثیر بسزایی دارد؛ و می‌توان گفت که نقشی اساسی در استنباط احکام شرعی دارد. این نوشته درصدد است تا برای یافتن مفهوم و منزلت شایسته بنای عقلا در فقه، موضوع را مورد بررسی قرار دهد. بررسی سیره عملی و فقهی دو فقیه بزرگوار معاصر، حسن بجنوردی و امام خمینی برای این منظور بسیار کمک کننده است؛ بنابراین، هدف اصلی مقاله این است که نحوه به کارگیری بنای عقلا از طرف ایشان را هم در اندیشه‌های نظری و هم در سیره عملی به دست آورد. با توجه به هدف فوق، سؤال اصلی مقاله این است که دو فقیه معظم در سیره فقهی خود چگونه بنای عقلا را در عرض کتاب و سنت به کار گرفته‌اند و اینکه آیا ایشان با توجه به عصر خویش نحوه استفاده از بنای عقلا را تبیین و بدان عمل کرده‌اند؟ برای پاسخ به پرسش، ابتدا کتب فقهی حسن بجنوردی و امام خمینی را انتخاب و سپس با روش تحلیل محتوا، متون فقهی استدلالی و اصولی ایشان مورد بررسی قرار گرفته است. بجنوردی از علمای بزرگ و از مجتهدان سرشناس حوزه علمیه نجف اشرف و از چهره‌های درخشان فقهای شیعه در عصر حاضر است. ایشان، از علمای طراز اول معاصر حوزه علمیه نجف بوده و دارای مقام علم و عمل و دقت نظر است. همچنین عالمی محقق و فقیهی مدقق و جامع معقول و منقول و حاوی فروع و اصول است و به اعلی درجه فقاہت و اجتهاد رسیده است. وی فقیهی بزرگ و دانشمندی متبحر و حجتی جلیل و مجتهدی متضلع و از چهره‌های درخشان علمای شیعه به شمار می‌آید.

امام خمینی در خمین به دنیا آمد و تا نوزده سالگی در زادگاه خود، به کسب دروس ابتدایی و تحصیل مقدمات عربی پرداخت و در سال ۱۳۳۹ قمری برای ادامه تحصیل به شهر اراک هجرت کرد. بعد از انتقال حوزه علمیه به شهر قم، امام نیز روانه این شهر شد. امام در فقه تا سال ۱۳۵۵ قمری از حائری بهره‌مند شد و برای آموختن هیت، نجوم و فلسفه مشاء در محضر رفیعی قزوینی حاضر می‌شد. وی در عرفان و بالأخص عرفان آمیخته با فلسفه صدرالمآلهین از محضر شاه‌آبادی استفاده کرد. امام خمینی سال‌های طولانی در حوزه علمیه

قم به تدریس خارج فقه، اصول، فلسفه، عرفان و اخلاق پرداخت. هوش سرشار، پشتکار، نظم و سایر سجایای اخلاقی اش سبب شده بود تا محبوب همگان باشد و دیگران به وی احترام بگذارند؛ ولی هیچ کس نمی دانست که دایرهٔ محبوبیت وی تا به چه اندازه ای گسترده خواهد شد. هیچ کس باور نمی کرد که او مدتی بعد، رهبری قیامی مردمی را به دست خواهد گرفت، رژیم پهلوی را سرنگون خواهد کرد و انقلابی را بر مبنای اسلام بنیان خواهد نهاد. در این نوشته ابتدا با اشاره به مفهوم بنای عقلا تلاش شده تا ماهیت و مبانی حجیت آن تبیین شود. سپس به تعاریف و مبانی فقهی حسن موسوی بجنوردی و امام خمینی در زمینهٔ بنای عقلا پرداخته خواهد شد.

در منابع فقه و اصولیون اعم از متقدمین و متأخرین استناد به سیره عقلا ملاحظه می شود. بسیاری از کتب مشهور و مختلف فقهی و اصولی و مقالات و پایان نامه ها به بررسی این منبع مهم استنباط احکام در نوشته های خود پرداخته اند، از جمله امام خمینی در کتب اجتهاد و تقلید، البیع و الرسائل، شهید محمدباقر صدر در کتب اصولی خود، از جمله کتاب بحوث فی علم الاصول، اصول فقه مرحوم علامه مظفر، اصول العامه للفقہ المقارن از سید محمدتقی حکیم و فقه و اصولیون دیگری که به بحث و بررسی سیره عقلا و حجیت آن پرداخته اند. مقالاتی چون «جایگاه بنای عقلا در فقه شیعه» نوشته علی جهانخواه، «حجیت سیره و بنای عقلا» نوشته محمد عدنانی، پایان نامه جایگاه بنای عقلا در فقه و حقوق موضوعه نوشته محمدولی پوری؛ اما تحقیقی که در آن، آثار فقهی امام خمینی و سید حسن بجنوردی به عنوان فقیهانی مؤثر در تکامل فقه، در زمینهٔ جایگاه و حجیت بنای عقلا، تطبیق داده شوند تاکنون انجام نشده است.

۱. مفهوم شناسی

در ابتدا به منظور تبیین و روشن تر شدن اصطلاحات تحقیق به بررسی آن پرداخته شده و هر یک از جهت لغوی و اصطلاحی بررسی شده است:

۱-۱. مفهوم شناسی بنا

لغت بنا، لفظاً عربی است و در قرآن کریم نیز بارها ذکر شده است از جمله در آیات زیر،

«و بر فرازِ شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم» (نأ: ۱۲) و «سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت» (شمس: ۵) که در تفاسیر مربوطه به معنای ایجاد کردن، ساختن و خلق کردن آمده است (شاه‌عبدالعظیمی ۱۳۶۳ ج ۱۴: ۲۲۸؛ دینوری ۱۴۲۴ ج ۲: ۵۰۰) اما معنای این واژه در کتب لغوی، به نظر برخی از لغویان، بنا به معنای مطلق ساختن (ابن منظور ۱۴۱۴ ج ۱۴: ۸۹؛ ابن سیده ۱۴۲۱ ج ۱۰: ۵۲۱) و برخی دیگر به معنای ساختن ساختمان، بنا ساختن و بنا کردن خانه (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۱۴۷؛ قرشی ۱۴۱۲ ج ۱: ۲۳۲؛ حمیری ۱۴۲۰ ج ۱: ۶۳۹) و به نظر بعضی دیگر نیز به معنای برپا نهادن بیان نموده‌اند، مانند بنا کردن کشتی که در اکثر موارد به صورت مجازی استعمال شده و دایره مدار تأسیس و ساختن است (مصطفی ۱۴۲۵ ج ۱: ۷۲) به نظر می‌رسد کلمه بنا در عبارت بنای عقلا به معنای حقیقی ساختمان نیست و از آن جهت که با او عطف به سیره معطوف شده است پس باید معنای مجازی بنا مدنظر باشد، به معنای تأسیس کردن. به عبارتی منظور، تأسیس بنیادهای فکری عقلا و ساختار بنیادهای عقلاست.

۲-۱. مفهوم‌شناسی عقلا

عقلا، جمع عاقل است که ریشه آن عقل است، واژه عقل، کلمه‌ای عربی است و خداوند متعال بارها در قرآن کریم از ارزش و جایگاه ویژه عقل سخن به میان آورده است به طوری که بیش از سیصد بار انسان‌ها را به استفاده و بهره جستن از عقل، دعوت کرده است (طباطبایی ۱۳۹۰ ج ۳: ۵۷). کلمه (عقل) مصدر و به معنای ادراک و فهمیدن چیزی است، به صورت کامل و تمام و به همین سبب نام آن حقیقتی را که در آدمی است و آدمی به وسیله آن میان صلاح و فساد و حق و باطل و راست و دروغ فرق می‌گذارد، عقل نامیده‌اند، البته این حقیقت مانند نیروی دیدن و شنیدن و حفظ کردن و سایر قوای آدمی که هر یک از فروع نفس اوست، نمی‌باشد، بلکه این حقیقت عبارتست از نفس انسان مُدرک (طباطبایی ۱۳۷۴ ج ۱: ۶۱۱-۶۱۰).

۱. «و فَوْفَقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا».

۲. «و السَّمَاءِ وَ مَا بَنَاهُ».

۳-۱. ماهیت بنا و سیره عقلا در اصطلاح فقها و اصولیون امامیه

از بنای عقلا در برخی منابع، تعابیر دیگری نیز مانند، ارتکاز عقلا، طریقه عقلا، عمل عقلا، سیره عقلایی، عرف عقلا، اصل عقلایی و... به کار رفته است (جعفری لنگرودی ۱۳۷۵ ج ۲: ۵۷؛ ولایی ۱۳۹۲: ۲۱۹؛ فیض ۱۳۹۴: ۲۱۵). از عقل حتی در مواردی به عنوان بنای عقلا یاد شده است؛ ولی با نگاه دقیق تر می توان بین دلیل عقل با بنای عقلا فرق قائل شد (رنجبر ۱۳۹۵: ۱۸). لکن در خصوص تعریف آن می توان به موارد زیر اشاره نمود، به نظر عده ای از اصولیون، سیره عقلا، مطلقاً استمرار عمل عقلا بر انجام یا ترک کاری است، بدون تقیّد به دین، مذهب، زمان یا مکان خاص و فقهی یا اصولی بودن روش (نائینی ۱۳۷۶ ج ۳: ۱۹۲؛ حکیم بی تا: ۱۹۱؛ امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۱۹۴، ۳۴۰؛ مظفر ۱۳۸۳ ج ۳: ۱۷۱؛ هاشمی شاهرودی ۱۴۲۶ ج ۲: ۱۳۹؛ فیض ۱۳۹۴: ۲۱۴؛ ملکی اصفهانی ۱۳۷۹ ج ۱: ۱۹۳) و به نظر برخی، سیره عقلا بر عمل در امور معاش با قول ثقه مقید بوده (مشکینی اردبیلی ۱۳۷۴: ۱۴۴) برخی دیگر از فقها نیز از سیره عقلا به گرایش و میل عمومی عقلا تعبیر کرده اند (صدر ۱۳۴۵: ۱۶۹-۱۶۸؛ حسینی ۱۳۸۶: ۱۸۵). برخی دیگر بنای عقلا را نوعی ارتکاز عقلی بیان کرده اند بدین صورت که ضرورت ندارد عقلا این رفتار را در عالم خارج هم از خود بروز دهند، بلکه سیره عقلا اعم از رفتار خارجی و مرتکرات عقلیه است (فیض ۱۳۹۴: ۲۱۵؛ هاشمی شاهرودی بی تا ج ۴: ۳۳). عمل ارتکازی که انسان خود به خود حتی در حالت عدم توجه کامل و عدم اراده انجام می دهد یک عمل ارادی نیست مع ذلک می تواند بنای عقلا را تشکیل دهد (جعفری لنگرودی ۱۳۹۱ ج ۲: ۷۱).

با تأمل در تعریف های ارائه شده از کتب اصولی می توان دریافت که اصولیون در ماهیت سیره عقلا اختلاف نموده اند، چنانکه توسط اصولیون، برداشت های متفاوتی از آن بیان شده است، مطلقاً استمرار عمل عقلا، نفس عمل، گرایش و میل عمومی، ارتکاز عقلی بودن آن و... اما در عدم انتساب بنای عقلا به مذهب، فرهنگ، دین، زبان خاص و... مشترکند و عقلا بما هم عقلا به آن عمل کرده و زندگی خود را بر اساس آن به جریان می اندازند، به طوری که عدم جریان آن بروز بی نظمی و اختلال در زندگی انسان را در پی خواهد داشت. قطع نظر از دلیل عقلی که یکی از مآخذ چهارگانه فقه ماست که اگر در صحنه عمل آن چنان که امید می رود خود را نشان دهد بسیاری از مسائل پیچیده و لاینحل جامعه و حاکمیت حل و فصل خواهد گردید، عرف و بنای عقلا نیز دست کمی از دلیل عقلی ندارد

و چه بسا کسانی دلیل عقلی را در صحنه عمل به چیزی نگرفته‌اند؛ ولی به کارسازی و نقش عظیم عرف در تحول مسائل فقه سخت باور دارند این همان چیزی است که امام خمینی تحت عنوان مسئله زمان و مکان و تأثیر آن در فقه مطرح کرده است (فیض ۱۳۸۲: ۴۹).

۴-۱. مفهوم شناسی ارتکاز عقلا

ارتکاز عقلا نوعی ادراک و شعور ناخودآگاه نسبت به معلوماتی است که به عمق ذهن عقلا رسوخ کرده است، به گونه‌ای که منشأ پیدایش آن برای آنان به تحقیق روشن نیست؛ چه طبق آن، در خارج سلوک عملی تحقق یافته باشد و چه تحقق نیافته باشد (جمعی از محققان مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی ۱۳۸۹: ۱۴۵). به عبارتی، ارتکاز عقلا علم به معلوماتی است که در ذهن آنان انباشته گشته و به آن توجه نمی‌شود و چه بسا این علم و شعور ناخودآگاه منشأ بسیاری از اعمال در نزد عقلا می‌گردد که علت آن برای خودشان هم روشن نیست؛ برای مثال، کسی که در منطقه‌ای عرب‌زبان زندگی می‌کند، وقتی با لفظی عربی مورد خطاب قرار می‌گیرد، بلافاصله معنای آن لفظ به ذهنش خطور می‌کند و این به سبب همان علم ارتکازی اوست (امام خمینی ۱۴۱۰ ج ۲: ۱۲۳).

۴-۲. دیدگاه اصولیون امامیه در حجیت بنای عقلا

می‌توان گفت با توجه به نظریات و آرای فقهای مشهور، سه مبنای مهم برای بنای عقلا وجود دارد:

۴-۲-۱. مبنای اول، حجیت بنای عقلا بر مبنای طریقت یا کاشفیت (امضا یا احراز عدم ردع از ناحیه شارع)

بر اساس مبنای اول وقتی بنای عقلا به خودی خود حجت نیست باید رضایت شارع به صورت گفتار و یا کردار و یا حداقل به صورت سکوت و عدم ردع شارع کشف شود. بر این اساس، بنای عقلا جنبه کاشفیت و طریقت دارد. بدین صورت که اگر رضایت شارع از طریق گفتار و کردار، کشف نشد، حداقل، سکوت و عدم ردع شارع ثابت شود.

۴-۲-۲. مبنای دوم، حجیت بنای عقلا بر مبنای موضوعیت (صرف عدم احراز ردع)

بر اساس مبنای دوم، بنای عقلا موضوعیت دارد و نیازی به کشف امضا و حتی اثبات

عدم ردع نیست و کافی است منع و ردعی از طرف شارع به ما نرسیده باشد تا حجیت آن کشف شود. در واقع طبق این مبنا، امضای شارع از عدم وصول ردع در مورد بنای عقلا اخذ می‌شود؛ که توسط فقها به صورت‌ها و دلایل مختلفی همچون به دلیل رئیس العقلا بودن شارع یا واگذاری برخی امور به عقلا جامعه توسط شارع بیان گردیده است.

۲-۳. مبنای سوم، غیر قابل ردع بودن بناهای عقلایی

با توجه به اینکه عقل رکن و عنصر اساسی بنای عقلاست و با توجه به ضروری بودن بنای عقلا، نتیجه‌ای که واضح و مبرهن به نظر می‌رسد این است که چون بنای عقلا ریشه عقلی دارد و از عقل که حجیت ذاتی و یقینی دارد منشأ می‌گیرد؛ لذا امری خواهد بود دارای حجیت ذاتی و قطعی و یقینی بدون نیاز به کشف رضای شارع مقدس و چون بنای عقلا ناشی از فطرت انسان‌ها و امری اضطراری، ضروری و غیرقابل اجتناب است، نمی‌تواند بدین صورت باشد که شارع به طور مطلق و کلی آن را نفی کند بلکه ممکن است آن را تحت شرایط و ویژگی‌های خاص مورد قبول و تأیید خویش قرار دهد؛ مانند خبر واحد که اگر از طرف شخصی عادل باشد مورد قبول شارع و ثقه خواهد بود در غیر این صورت، نامعتبر و عمل به آن خلاف شرع خواهد بود.

۳. دیدگاه‌های سید حسن موسوی بجنوردی

پس از بررسی مفاهیم و تحریر تعاریف و ماهیت پژوهش و بیان نظریات فقها، بررسی دیدگاه‌های سید حسن موسوی بجنوردی بیان خواهد شد و در این زمینه ابتدا به مفهوم بنای عقلا نزد او پرداخته می‌شود.

۱-۳. مفهوم بنای عقلا از دیدگاه موسوی بجنوردی

هرجایی که ایشان از بنای عقلا در کتب خود استفاده و به آن استناد نموده است، بر این باور است که بنای عقلا، بنا و سیره‌ای است از طرف همه عقلا و از جمیع ملل و امت‌ها و عصرها، چه اهل ادیان باشند چه نباشند، مسلمانان و غیر آن‌ها (موسوی بجنوردی ۱۳۷۷ ج ۱:

۲-۳. استناد به بنای عقلا در شمار مستندات فقهی

اگر ادعا شود که میزان اهمیت قواعد فقهی در جهت استنباط احکام شرعی، کمتر از قواعد اصولی نیست سخنی گزاف و از روی مبالغه گفته نشده است؛ زیرا همان طور که قواعد اصولی، ما را به احکام شرعی می‌رسانند با استفاده از قواعد فقهی نیز می‌توان به احکام شرعی دست یافت. از جمله فقیهانی که به روش «فراگیری قواعد فقهی» ارج می‌نهادند و به آن توصیه می‌نمودند و خود در این راه، گام‌های بزرگ و جدی برداشته‌اند، سید حسن موسوی بجنوردی است. ایشان کتاب القواعد الفقهیه را در دوازده جلد تألیف نمود که در هفت جلد چاپ شده آن ۶۲ قاعده فقهی بررسی شده است و هر قاعده فقهی برگرفته از مستندات و مدارکی است که حجیت و اعتبار آن‌ها در مباحث اصولی مورد اثبات قرار گرفته است این مستندات عبارتند از قرآن کریم، سنت معصوم^(ع)، حکم عقل، اجماع، بنای عقلا و دلیل قرار گرفتن بنای عقلا در کنار منابع و ادله اربعه اصلی، در جهت استنباط احکام شرعی نشانگر اهمیت و نقش مهم بنای عقلا در مشروعیت و حجیت قواعد فقهی و رسیدن به حکم شرعی است. از جمله قواعد فقهی که ایشان در آن‌ها به بنای عقلا استناد نموده است می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

ید، غرور، صحت، المؤمنون عند شروطهم، انحلال العقود، اقرار العقلا، بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه، اصاله اللزوم فی العقود، الزعیم غارم که در برخی از موارد نیز بنای عقلا را به عنوان عمده دلیل قاعده فقهی بیان نموده است (موسوی بجنوردی ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۸۹).

۳-۳. استناد به بنای عقلا در استصحاب

به نظر می‌رسد استصحاب از مهم‌ترین مباحث اصول است و فقیه بسیار با آن ارتباط دارد و فقهای که در مباحث اصول قدرتشان در مباحث استصحاب بیشتر است در خیلی از فروع قوی‌تر به میدان می‌آیند خصوصاً در تعارض بین استصحاب و سایر قواعد که یکی از بحث‌های خیلی مهم در فروع علم اجمالی همین تعارض بین استصحاب و سایر قواعد است از این رو بحث استصحاب اهمیت بسیار زیادی دارد و به یک معنا از همه مباحث اصول مهم‌تر و آثارش در فقه بیشتر است. بجنوردی در بیان مستندات حجیت استصحاب،

به‌عنوان اولین مستند مهم آن، از بنای عقلا یاد نموده است. به‌گونه‌ای که عمل و جریان بنای عقلا، بر طبق حالت سابقه و عدم اعتنا به شک در ارتفاع آن است. به عبارتی، شک، موافق جریان عمل، بر طبق حالت سابقه نیست؛ و از طرف شارع نیز ردع و منعی درزمینه این بنا صورت نگرفته است لذا کاشف از امضاست؛ و این بنا به عیان و وجدان، در اعمال عقلا، حرکات و سکنااتشان در معاملات و تجارت و جمیع امورشان دیده می‌شود به‌گونه‌ای که آنان هیچ‌گونه شکی در ارتفاع حالت سابقه به خود راه نمی‌دهند (موسوی بجنوردی ۱۳۸۰ ج ۲: ۵۳۶).

۴-۳. نقش بنای عقلا در حجیت ظواهر از دیدگاه بجنوردی

حجیت ظهورات به این دلیل است که عقلا در محاوراتشان در باب الفاظ، در بیان مرادشان به آنچه ظاهر الفاظ نشان می‌دهد ترتیب اثر می‌دهند؛ و شارع این روش را ردع نکرده ... و راه دیگری به‌غیر از این سیره ایجاد نموده است (موسوی بجنوردی ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۵). از جمله لفظ بیع، اجاره، رهن، قرض، صلح، طلاق، نکاح و غیر آن از عناوینی که معاملات نام‌گذاری شده همه، عناوین موجود بین عرف و عقلاست درحالی‌که زندگی‌شان دایره مدار آن‌ها است؛ و شارع همه این عناوین را به همان معنای عرفی امضا کرده است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۰ ج ۱: ۱۰۷).

یا اصالة الحقیقه که عبارت است از اینکه اگر عقلا در مراد متکلم شک کنند که معنای حقیقی منظور است یا معنای مجازی، به اراده معنای حقیقی حکم می‌کنند که قرینه‌ای بر خلافش وجود نداشته باشد ... و منشأ این ظهور، به این کیفیت، بنای عقلا و اهل عرف در محاوراتشان است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۰ ج ۱: ۷۳-۷۲) و یا عقلا، در صورت شک در تحقق نقل معنای الفاظ، بنا را بر عدم نقل می‌گذارند؛ بنابراین اصالت عدم نقل در این مقام، اصل عقلایی است و اصل عقلایی، مثبت حجیت است (موسوی بجنوردی ۱۳۸۰ ج ۱: ۸۳).

۵-۳. مبنای فقهی بجنوردی در حجیت بنای عقلا و استنباط حکم

از نظر ایشان، در جاهایی که امضای شارع وجود داشته باشد شک و تردیدی در حجیت آن سیره عقلا وجود ندارد؛ اما در مورد سیره‌هایی که امضای شارع در موردشان وجود نداشته

باشد با توجه به سه مبنایی که در مورد حجیت بنای عقلا مطرح شد، قائل به نظریه عدم احراز ردع هستند و اینکه ردع و منعی در مورد سیره عقلایی از طرف شارع وارد نشده باشد کفایت می‌کند و آن سیره حجت خواهد بود بدون اینکه نیاز به امضای شارع داشته باشد. معظم له در جواب اشکالی که توسط طرفداران نظریه امضا ممکن است ایراد شود بیان می‌کند، اولاً، عدم ردع در امضا کفایت می‌کند و ردعی از طرف شارع ثابت نشده باشد. ثانیاً، اتفاق آن‌ها بر استدلال به این قاعده در موارد متعدد، بدون اعتراض از طرف احدی از آن‌ها، بر این استدلال به‌طور قطعی کشف می‌کند که شارع، این مبنا و روش عقلا را امضا کرده است.

لذا می‌بینیم که ایشان دو شرط عدم ردع از طرف شارع و عدم اعتراض احدی از عقلا بر آن سیره را دلیل حجیت بنای عقلا دانسته‌اند که در این صورت به کشف امضا از طرف شارع احتیاج نخواهد بود (موسوی بجنوردی ۱۳۷۷ ج ۱: ۲۷۲-۲۷۱).

محقق اصفهانی از مجتهدین مشهور معاصر شیعه نیز بر این مبنا معتقد بوده و دلیل خود را چنین نگاشته است: صرفاً اکتفا به عدم ثبوت ردع این است که شارع یکی از عقلا بلکه رئیس آن‌هاست؛ بنابراین چون شارع عاقل است با عقلا متحد المسلك است و مقتضای اتحاد مسلك نیز همین است و ردع و منع فعلی کاشف از اختلاف مسلك ایشان با عقلاست و چون شارع است دارای مسلك دیگری است (غروی اصفهانی ۱۴۱۴ ج ۳: ۱۲). در حجیت مجعولات اعتباری که توسط عقلا شکل می‌گیرند، شکی وجود ندارد به این صورت که مجعولاتی که از طرف شارع مقدس صادر می‌شوند، احکام تأسیسی و احکامی که از طرف عقلا صادر می‌شوند، امضایی هستند که ممکن است توسط شارع با افزودن قید، محدود شوند یا با حذف قید، وسعت و شمول پیدا کنند. به عبارتی امارات شرعی ای وجود ندارد مگر اینکه نزد عقلا نیز، اماره محسوب می‌شوند (غروی اصفهانی ۱۴۱۴ ج ۳: ۱۴۲).

۴. دیدگاه‌های امام خمینی

پس از بررسی مفاهیم و تحریر تعاریف و ماهیت پژوهش و بیان نظریات فقها، بررسی دیدگاه‌های امام خمینی بیان خواهد شد و در این زمینه ابتدا به مفهوم بنای عقلا نزد او پرداخته می‌شود.

۴-۱. مفهوم بنای عقلا نزد امام خمینی

ایشان در توصیف امارات عقلانیه این گونه به توصیف «عرف» می‌پردازند:

اماره‌های عقلایی [آن اموری است] که عقلا در دادوستدها، تدبیرهای اجتماعی و به‌طور خلاصه در تمامی شئون زندگی خویش، بدان‌ها عمل می‌کنند به گونه‌ای که اگر شارع ایشان را از عمل به آن‌ها بازدارد نظام جامعه فرومی‌پاشد و چرخه حیات اجتماعی انسان‌ها از حرکت بازمی‌ایستد (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۱۰۵). هر چیزی که نزد عرف مسلم باشد و عقلا احتمال خلاف آن را ندهند، واجب است مورد توجه قرار گیرد (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۲۶۴).

۴-۲. استناد به بنای عقلا در استصحاب

استصحاب، اماره‌ای است که دلیل اعتبار آن نزد عقلا یا شارع این است که ثابت است و به آن ادامه می‌دهند. به این صورت که یقین گذشته، در زمان شک، کاشف از بقای آن است؛ که این همان حقیقت استصحاب است (امام خمینی ۱۴۱۰ ج ۱: ۷۱).

۴-۳. استناد به بنای عقلا در اصل صحت

دلیل اعتبار اصل صحت، بنای عقلا و سیره عقلایی قطعی است، بدون اختصاص آن به مسلمانان و یا بدون عدم اختصاص آن به جریان اصل، فقط در فعل مسلمان (امام خمینی ۱۴۱۰ ج ۱: ۳۲۰).

۴-۴. دیدگاه امام خمینی درباره مثبتات امارات

تمام امارات شرعی، امارات عقلایی هستند که شارع آن‌ها را امضاء کرده است و در بین آن‌ها اماره‌ای که حجیت و اعتبار آن به تأسیس شارع باشد، وجود ندارد. از بین این امارات می‌توان به ظواهر الفاظ، خبر ثقه و ید اشاره کرد (امام خمینی ۱۴۱۰ ج ۱: ۱۷۸).

روش عقلا مبنی بر عمل به امارات، صرفاً به خاطر این است که امارات واقع را اثبات می‌کنند و سیره عقلا تعبدی نیست؛ پس هرگاه واقع به واسطه اماره ثابت شود، لازم و ملزوم و ملازم آن نیز ثابت می‌شود به خاطر همان ملاک و معیاری که خود مفاد اماره را ثابت می‌کند؛ پس همان‌طور که علم به یک چیز باعث علم به لوازم و ملزومات و ملازمات آن

می‌شود، وثوق و اطمینان به یک چیز نیز همین ویژگی را دارد.

۵-۴. دیدگاه امام خمینی در مسئله تقلید

امام خمینی در کتاب الاجتهاد و التقليد خود این مسئله را چنین بیان داشته‌اند: «با تدبیر در بنای عقلا و بیان اقتضای ارتکاز آن‌ها، در اصل تقلید اشکالی وجود ندارد» (امام خمینی ۱۳۷۶: ۶۳).

در مسئلهٔ اعلمیت مجتهد، عقلای عالم روششان بدین گونه است که در تمام علوم و فنون، هرگاه اختلافی در دیدگاه‌ها پیدا کردند به عالم‌ترین و خبره‌ترین رجوع می‌کنند نه در جاهل به آن امر و این جزو فطریات ذاتی عقلاست.

از نظر امام، معروف این است که عمده دلیل وجوب تقلید، ارتکاز عقلاست که رجوع هر جاهلی به عالم و رجوع هر محتاج به صنعت و فنی به آگاه از آن‌ها از فطریات عقول است. اگر بنای عقلا بر این باشد و ردع از طرف شارع وارد نشده باشد کشف می‌شود که آن بنای عقلا مجاز و مورد رضایت شارع است (امام خمینی ۱۴۱۰ ج ۲: ۱۳۰).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود ایشان در مورد بنای عقلا در مسئله تقلید از مجتهد اشاره به کفایت صرف عدم احراز ردع دارند و اینکه اگر منع و ردعی از شارع وارد نشده باشد عمل به سیره عقلا جایز خواهد بود.

۶-۴. مبنای فقهی امام خمینی در حجیت بنای عقلا و استنباط حکم

امام درباره حجیت عرف و بنای عقلا اندیشه امضای پذیرفتنی می‌داند و بر این باور است که تنها هنگامی عرف و بنای عقلا دارای اعتبار است که از سوی شارع امضا شده باشد و عرف و سیره‌های عقلاییه ای که امضای آن‌ها ثابت نشده، فاقد اعتبار است (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۲۸۰-۲۷۹).

صرف بناگذاری خردمندان جامعه بر عمل کردن به سخن ایشان، ثمربخش نخواهد بود مگر اینکه عدم نهی شارع - که از رضایت او حکایت می‌کند - به این بناگذاری ضمیمه شود (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۲۵۰). اگر [عرف و بنای عقلا] در نزد شارع، نافذ و پذیرفتنی نمی‌بود باید از عمل بدان نهی می‌فرمود و در اثبات مقبولیت آن [در نزد شارع] همین بس

که شارع از آن نهی نکرده است (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۳۱۵). ارتکاز و بنای عقلا بر یک امر، زمانی معتبر است که شارع آن را امضا کند و عدم مخالفت فقط زمانی کشف از امضای شارع می‌کند که بنای عقلا بر یک عمل، در محضر و منظر پیامبر (ص) یا ائمه (ع) باشد، مانند بنای عقلا بر اصله الصحه یا عمل به قول ثقه و امثال آن از بناهای عملی که متصل به زمان معصومین (ع) است؛ اما زمانی که بنای آن‌ها بر یک عمل، در امری جدید باشد که متصل به زمان معصومین (ع) نیست، نمی‌توان امضای شارع را برای مثل آن کشف کرد (امام خمینی ۱۴۱۰ ج ۲: ۱۲۳).

البته امام در جایی دیگر، با تکیه بر علم معصومان (ع) نسبت به وقایع آینده مسلمانان به این سخن اقبال نشان داده‌اند که ظاهراً فرقی بین عرف‌های متصل به زمان امام معصوم با دیگر ارتکازات و بناهای عقلایی غیر متصل به زمان معصومان (ع) وجود ندارد و بدین گونه، روش عدم ردع را برای اعتبار و حجیت سیره‌های مستحدث همچون عرف‌های متصل به زمان معصومان (ع) کارآمد می‌شمارند (امام خمینی ۱۴۱۰ ج ۲: ۱۲۹). در فرض اختلاف شیوه شارع با روش متداول مردم، اهمال شارع در بیان شیوه خاص خویش، صحیح نخواهد بود پس از بیان نشدن روش خاصی از سوی شارع می‌توان دریافت که روش او همان شیوه متداول میان عقلاست (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱: ۵۸۲). همانا شارع به قوانین [رایج میان عرف و خردمندان] عمل نموده آن گونه که گویا خود، یکی از آن‌هاست (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۱۰۶). روشن است که معصومان (ع) عالم و آگاه به آینده بودند و می‌دانستند در آینده چه سیره‌ها و عرف‌هایی در جامعه مسلمانان متداول می‌گردد. اگر این عرف‌ها نزد شارع فاقد اعتبار و حجیت هستند، بر معصومان (ع) لازم بود از این عرف‌ها منع و ردع نمایند و ناخشنودی شارع را ابلاغ کنند؛ زیرا آنان عالمان به آینده و نگهبانان شریعت‌اند و چون ردعی از سوی آنان اثبات نگردیده؛ بنابراین، با توجه به علم آن‌ها نسبت به وقایع آینده، می‌توان گفت: عرف - هر چند در زمان آینده تحقق یابد - حجت و معتبر است (امام خمینی ۱۳۷۶: ۸۱-۸۲). شارع نمی‌تواند به ردع عرف پردازد؛ زیرا ردع و عدم حجیت عرف اختلال نظام جامعه و زندگی اجتماعی را در پی دارد و حال آنکه شارع، خود بر حفظ نظام و عدم اختلال در آن تأکید ورزیده است (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۱۰۵).

امام می‌گوید این که می‌گویند معاملات از آنجا که امر اعتباری است، نیاز به امضای

شارع دارد سخن صحیحی نیست. چراکه اعتباری بودن معاملات ضرورت امضای شارع را در پی ندارد و نفس عدم ردع شارع در صحت آن معامله کافی است؛ بنابراین معامله‌ای که در نزد عقلا نافذ است، اگر در نزد شرع نافذ نبوده، می‌بایست آن را مورد ردع قرار دهد. همین قدر که شارع آن را ردع نکرده است، برای نافذ بودن و صحت آن معامله کافی است (امام خمینی ۱۴۱۵ ج ۱: ۳۱۵).

ایشان در بحث ضمان با اعتقاد به اینکه مقصود از قاعده ضمان جبران خسارت به هر شکل ممکن است و شارع کیفیت آن را محدود نکرده است، می‌گوید روایات جزو ادله ضمانات که در ابواب مختلف فقهی به آن پرداخته شده، به هیچ نحو متعرض کیفیت ضمان مثلی یا قیمی نشده است. اگر شارع در این مورد دارای طریقه خاصی بوده در اینجا که مبتلا به است باید اعلام می‌کرد؛ در این گونه موارد صحیح نیست که شارع با طریقه عرفی مخالفت داشته باشد و منع خود را مطرح نکنند. پس نتیجه می‌گیریم که ضمان مثل در مثلی و ضمان قیم در قیمی امری تعبدی نیست بلکه به خاطر ارتکاز عقلایی است (امام خمینی ۱۴۲۱ ج ۱: ۵۸۲).

۵. نتیجه‌گیری

۱. سید حسن موسوی بجنوردی و امام خمینی از بنای عقلا در جهت استنباط احکام شرعی در کنار ادله اربعه اصلی استفاده‌های زیادی نموده‌اند که در بیشتر کتب خود، بدان اشاره کرده‌اند؛ و این نشانگر اهمیت و نقش وافر بنای عقلا در استنباط احکام شرعی است. بجنوردی از بنای عقلا به عنوان سیره‌ای که توسط تمام عقلای جهان، بدون در نظر گرفتن زمان، مکان، دین، ملیت و ... شکل گرفته باشد یاد کرده است؛ از دید امام خمینی نیز، بناهای عقلا اماره‌هایی هستند که عقلا در دادوستدها، تدبیرهای اجتماعی و به‌طور خلاصه در تمامی شئون زندگی خویش، بدان‌ها عمل می‌کنند.

۲. هر دو فقیه بزرگوار، به حجیت بنای عقلا صرفاً با عدم منع و ردع شارع معتقدند بدون نیاز به امضای شارع. به بیان دیگر به اعتقاد ایشان، عدم ردع شارع کاشف از امضای شارع است؛ و به‌طور خاص و مستقل از بنای عقلا در استناد به قواعد فقهی معتبر و مهم در استنباط احکام شرعی استفاده نموده‌اند.

۳. با توجه به موارد کاربرد بنای عقلا به نظر موسوی بجنوردی، مهم‌ترین ویژگی ایشان، باور او به حجیت بنای عقلا و مشروعیت آن در جهت ارائه حکم الزامی و در مرحله دوم، استفاده از بنای عقلا برای استنباط حکم است؛ و با توجه به تأثیر زمان و مکان در مسائل فقهی، بایستی از منبع مهم و کاربردی بنای عقلا در تطبیق فقه با اوضاع و شرایط امروزی در جهت عقلانیت و حل مسائل و مشکلات امروزی بهره برد.

۴. امام خمینی با تکیه بر آگاهی معصومین (ع) معتقدند، بنا و سیره عقلا در هر زمان پدید آید و متداول گردد و در جامعه رسوخ پیدا کند، دربارہ هر موضوعی از موضوعات و هر پدیده‌ای از پدیده‌های اجتماعی باشد و در برابر آن ردع و منعی نباشد که به دست ما رسیده باشد آن عرف حجت است و معتبر و مورد اعتماد (لازم نیست که خود سیره عقلا و عرف به زمان معصوم علیه‌السلام بیوندد)؛ بنابراین عرف هر زمان، اگر ثابت شود که عرف عقلایی است و اگر دلیل مخالفی از شرع در برابر آن نباشد، همه آن‌ها حجت هستند و در واقع چنین عرفی یکی از منابع قانون‌گذاری به شمار می‌رود و ما می‌توانیم در پناه آن‌ها بسیاری از مسائل اجتماعی خود را حل و فصل کنیم.

منابع

- ابن سیده، علی بن اسماعیل. (۱۴۲۱ ق) *المحکم و المحيط الاعظم*، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق) *لسان العرب*، بیروت: دار صادر.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۴۲۱ ق) *کتاب البیع*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ و نشر عروج.
- _____ (۱۳۷۶) *الاجتهاد و التقليد*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- _____ (۱۴۱۰ ق) *الرسائل*، قم: انتشارات اسماعیلیان.
- _____ (۱۴۱۵ ق) *انوار الهدایه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امینی، محمد هادی. (۱۳۷۱) *معجم رجال الفکر و الادب فی النجف خلال الف عام*، بی‌جا.

- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۱) دانشنامه حقوقی، تهران: گنج دانش.
- _____ (۱۳۷۵) دانشنامه حقوقی، ج ۲، تهران: گنج دانش.
- جمعی از محققان مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی. (۱۳۸۹) فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حسینی، محمد. (۱۳۸۶) الدلیل الفقہی تطبیقات فقہیة لمصطلحات علم الأصول، دمشق: مرکز ابن ادریس الحلّی للدراسات الفقہیة.
- حکیم، محمدتقی. (بی‌تا) الاصول العامه للفقہ المقارن، بی‌جا: آل‌البيت.
- حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق) شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، بیروت: دار الفکر المعاصر.
- دینوری، عبدالله بن محمد. (۱۴۲۴ق) تفسیر الواضح فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق) مفردات الفاظ قرآن، دارالعلم - دارالشامیة، لبنان - سوریه.
- رنجبر، رضا. (۱۳۹۵) عقل و ملازمه آن با شرع، تهران: نو شناخت.
- شاه‌عبدالعظیمی، حسین. (۱۳۶۳) تفسیر اثنی عشری، تهران: میقات.
- صدر، سید محمدباقر. (۱۳۴۵) المعالم الجدیدة للأصول [طبع قدیم]، تهران: کتاب‌فروشی النجّاح.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴) المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____ (۱۳۹۰) المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- غروی اصفهانی، محمدحسین. (۱۴۱۴ق) نہایة الدراية فی شرح الکفایة، قم: مؤسسه سیدالشهداء.
- فیض، علیرضا. (۱۳۸۲) ویژگی‌های اجتهاد و فقه پویا، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ (۱۳۹۴) مبادی فقه و اصول، تهران: دانشگاه تهران.

- قرشی، سید علی اکبر. (۱۴۱۲ ق) قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۷۴) اصطلاحات الأصول و معظم أبحاثها، بی جا، الهادی.
- مصطفی، ابراهیم؛ احمد حسن الزیات، حامد عبدالقادر، محمد علی النجار. (۱۴۲۵ ق) المعجم الوسیط، بی جا: دارالدعوه.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۸۳) اصول الفقه، قم: اسماعیلیان.
- ملکی اصفهانی، مجتبی. (۱۳۷۹) فرهنگ اصطلاحات اصول، قم: نشر عالمه.
- موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۳۸۰) منتهی الاصول [طبع جدید]، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج.
- _____ (۱۳۷۷) القواعد الفقهیه، با تحقیق محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی، قم: نشر الهادی.
- نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۶) فوائد الاصول، تقریرات محمدعلی کاظمی خراسانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ولایی، عیسی. (۱۳۹۲) فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، تهران: نشر نی.
- هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۴۲۶ ق) فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، مرکز پژوهش های فارسی الغدیر.
- _____ (بی تا) بحوث فی علم الاصول، قم: دایرة المعارف اسلامی.
- Amini, Mohamed Hadi. (1952) *Dictionary of men of thought and literature in Najaf over the course of a thousand years*, Vol 1, No place (In Arabic).
- Dinevari, Abdullah bin Mohammad. (2003) *Tafseer Olvazeh fe Tafseer Al Guran Alkarim*, Vol2, Lebanon, Scientific Books House. (In Arabic).
- Faiz, Alireza. (2004) *Characteristics of ijtihad and dynamic jurisprudence*, Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies (In Persian).
- _____. (2016) *Mabady Fegh Odoul*, Tehran: University of Tehran (In Persian).
- Gharavi Isfahani, Mohammad Hossein. (1993) *Nahayat Alderaye fe Sharh*

Olkefāyeh, Vol 3, Qom : No place(In Arabic).

- Hakim, Mohammad Taqi (n.d) *Alousol Olamat Alfegh Olmagharen*, No place, Al-AlBayt (In Arabic).
- Hamiri, Nashwan bin Saeed. (1999) *Shams Ololoum va Davae Kalam Olarab men Alkoloum*, vol 1, Contemporary Thought House, Beirut - Lebanon(In Arabic).
- Hashemi Shahroudi, Mahmoud. (2005) Culture of jurisprudence according to the religion of Ahl al-Bayt, vols.2 and 4, Qom, Encyclopedia of Islamic jurisprudence on the religion of Ahl al-Bayt, Al-Ghadir Persian Research Center(In Arabic).
- Hosseini, Mohammad. (2008) *Aldalil Alfegghi Tatbighat Feghheyeh Lemostalehat Elmolosoul - Damascus*, Ibn Idris Hali Center for Jurisprudential Studies(In Arabic).
- Ibn Manzoor, Mohammad Ibn Makram. (1993) *Lisan Al-Arab*, Vol. 14, Beirut, Dar Sade(In Arabic).
- Ibn Seyede, Ali ibn Isma'il. (2000) *Almahkam Almoheat AlAzam*, Vol 10 Beirut House of Scientific Books(In Arabic).
- Jafari Langarudi, Mohammad Jafar. (1997) *Legal Encyclopedia*, Tehran, Ganj Danesh(In Persian).
- _____. (2013) *Legal Encyclopedia*, Vol 2, Tehran, Ganj Danesh(In Persian).
- Khomeini, Seyed Ruhollah. (1994) *Anwar Al-Hedaya*, Vol 1, Tehran, Institute for organizing and publishing the works of Imam(In Arabic).
- _____. (1998) *Alejtehad Valtaghead*, Tehran: Arranging and publishing the works of Imam Khomeini(In Arabic).
- _____. (1990) *Messages*,vol. 2, Qom: Ismailian Publications(In Arabic).
- _____. (2001) *Albaye*, Tehran: Arranging and publishing the works

- of Imam Khomeini, Institute of Ascension(In Arabic).
- Maleki Isfahani, Mojtaba. (2001) *Farhang Estelahat Ousoul*, vol 1, Qom, spread his world(In Persian).
 - Meshkini Ardabili, Ali. (1996) *Estelahat Alousoul va Moazam Abhasaha*, No place, Al-Hadi(In Arabic).
 - Mostafa, Ebrahim; Al-Zayat, Ahmad; Abdol-Qader, Hamed; Al-Najjar, Mohammad. (2004) *Almoajam Alvaseat*, Vol 1, No place: Dar al-Da'wah(In Arabic).
 - Mousavi Bojnourdi, Seyed Hassan. (1999) *Alghavaed AlFiqeh*, 7 Volumes, Investigator, Mohammad Hossain; Mahrizi, Mahdi, Qom, Al-Hadi Publishing(In Arabic).
 - _____. (2002) *MontahAlOusoul* [new print], Vol2, Tehran: Ascension Publishing, Imam Khomeini Publishing House(In Arabic).
 - Muzaffar, Mohammad Reza. (2005) *Usul al-Fiqh*, Vol. 1, Qom: Ismailian. (In Arabic).
 - Naini, Mohammad Hossein. (1998) Taghrerat Kazemi Khorasani, Mohammad Ali, *FavaedOlousoul*, vol. 3, Qom Seminary Teachers Association(In Arabic).
 - Qarshi, Seyed Ali Akbar. (1992) *Qamouse Quran*, Vol. 1, Islamic Books House, Tehran - Iran(In Persian).
 - Ragheb Isfahani, Hossein bin Mohammad. (1992) *Mofradat Alfaz Quran*, Dar al-Alam - Dar al-Shamiya, Lebanon - Syria(In Arabic).
 - Ranjbar, Reza. (2017) *Reason and its relation to Sharia*, Tehran, Noshana-kht(In Persian).
 - Sadr, Seyed Mohammad Baqer. (1967) *Almalem Oljadid Olosoul*, [Old nature], Tehran: Book sale Al-Najah(In Arabic).
 - _____. (n.d) Written by Seyyed Mahmood Hashemi Shahroudi, Bohous Fe Elmolousoul, Vol 4, Qom, Dairat al-Maarif Islami(In Arabic).

-
- Shah Abdul Azimi, Hossein. (1985) *Tafsir Asna Ashary*, vol. 14, Tehran, Miqat(In Persian).
 - Tabatabai, Mohammad Hossain. (1996) *Al-Mizan*, Vol 1, translated by: Mousavi, Mohammad Baqer, Qom, Seminary Teachers University, Qom, Islamic publication book(In Arabic).
 - _____. (2012) *Almizan Fe Tafsir Alguran*, Vol 3, Lebanon, Al-Alamy Foundation for Publications(In Arabic).
 - Velai, Esa. (2014) *Descriptive Dictionary of Principles Terms*, Tehran, Ney Publishing(In Persian).

